

علم أصول الفقه

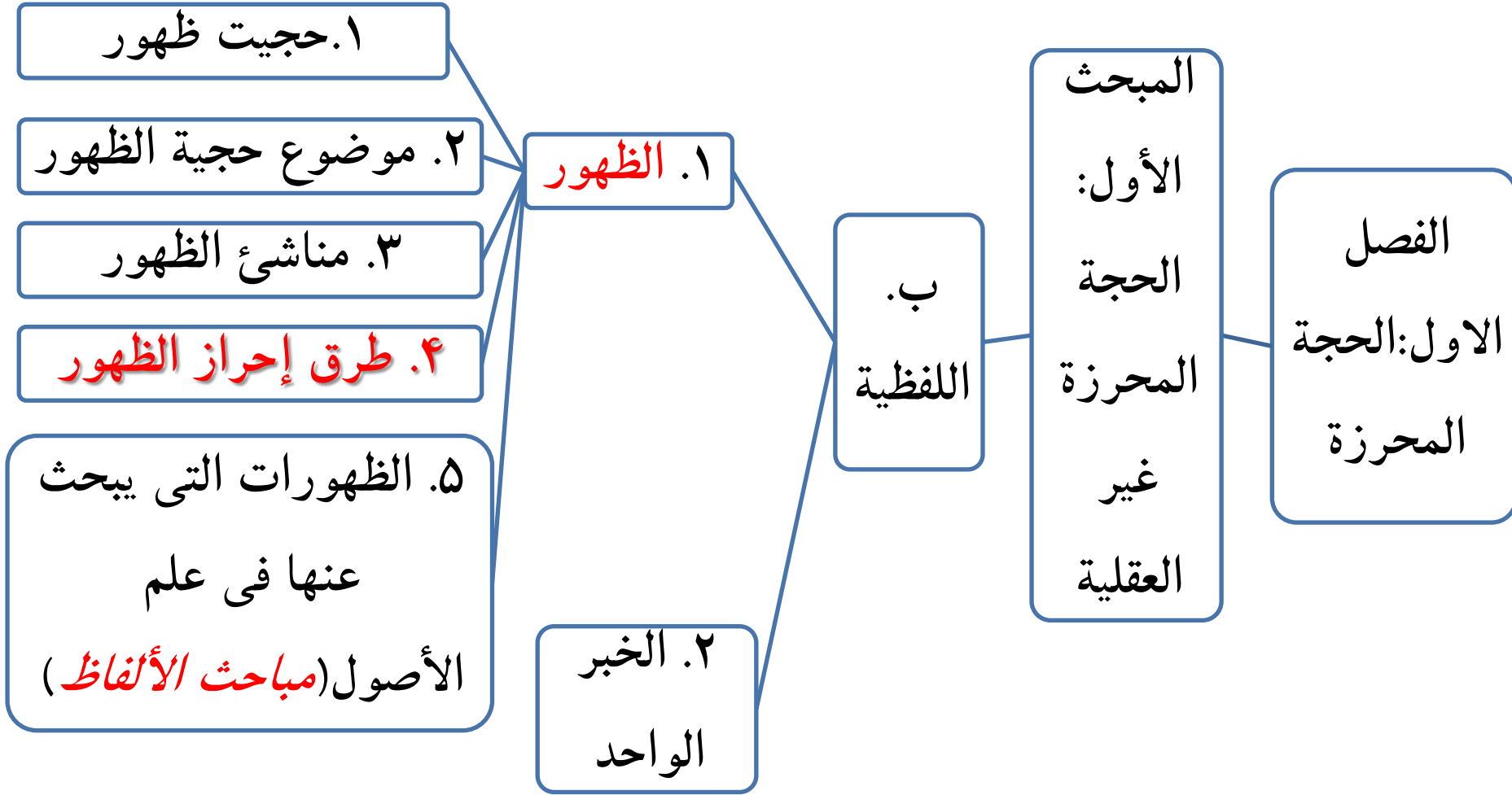
١١١

١-٢-٩٤ ظهور

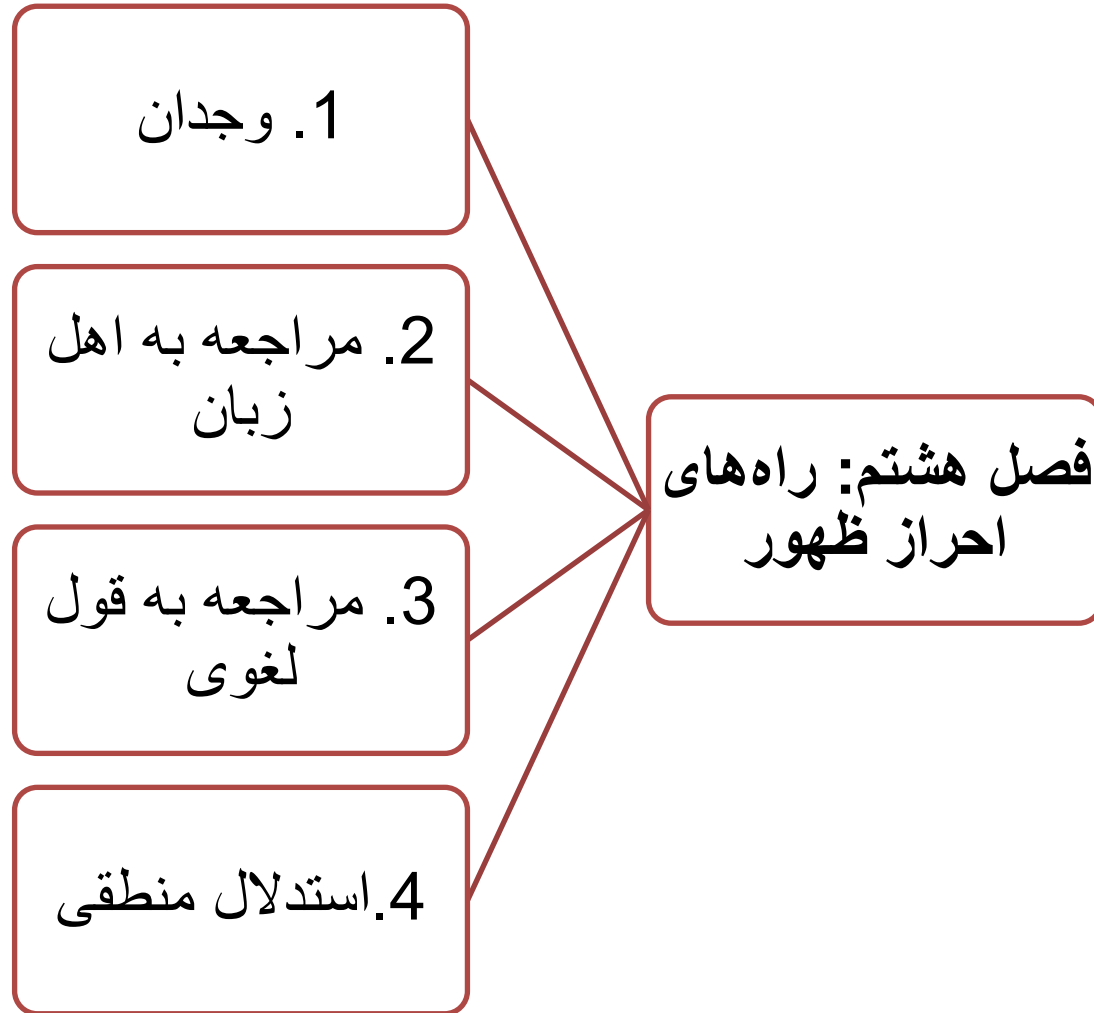
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

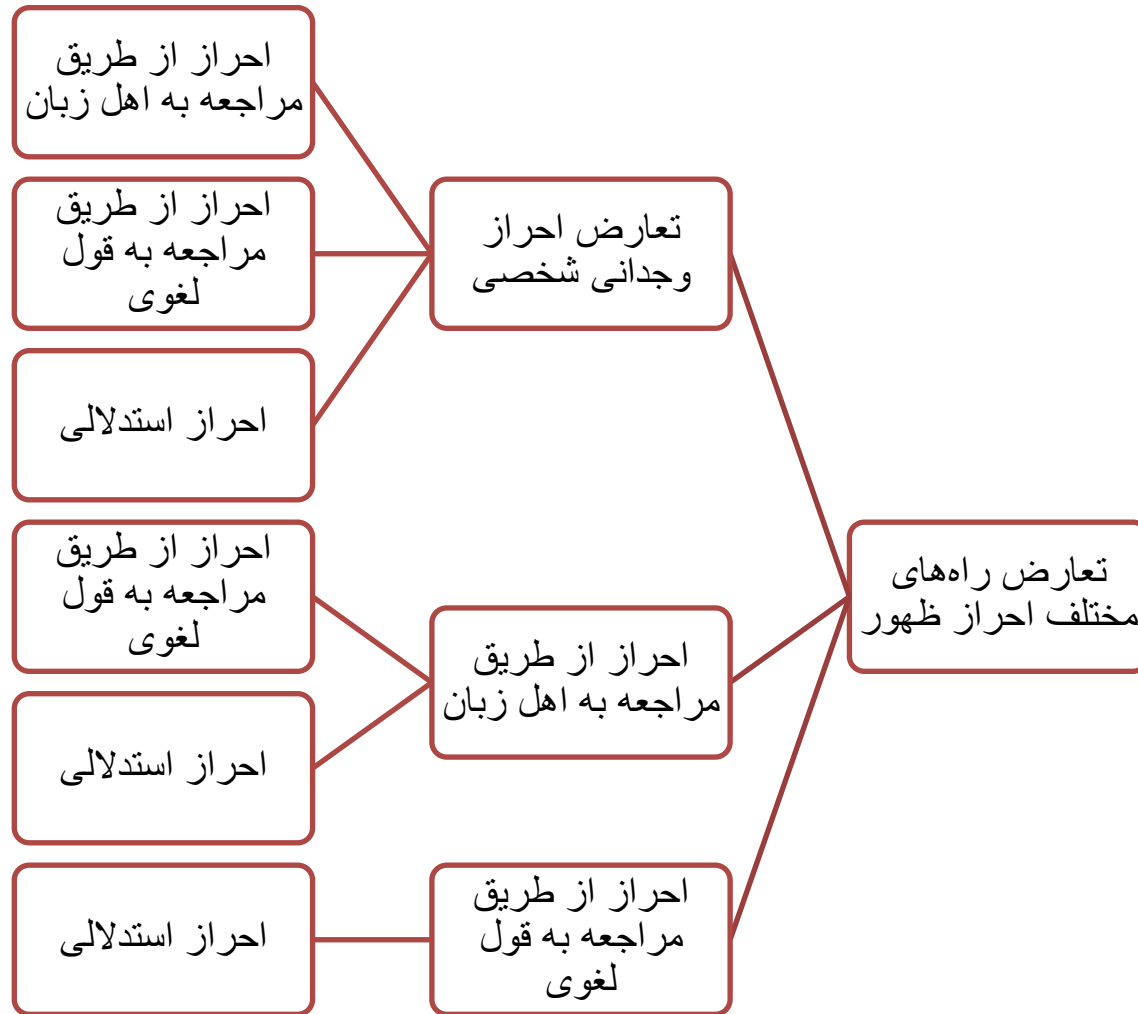
مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ

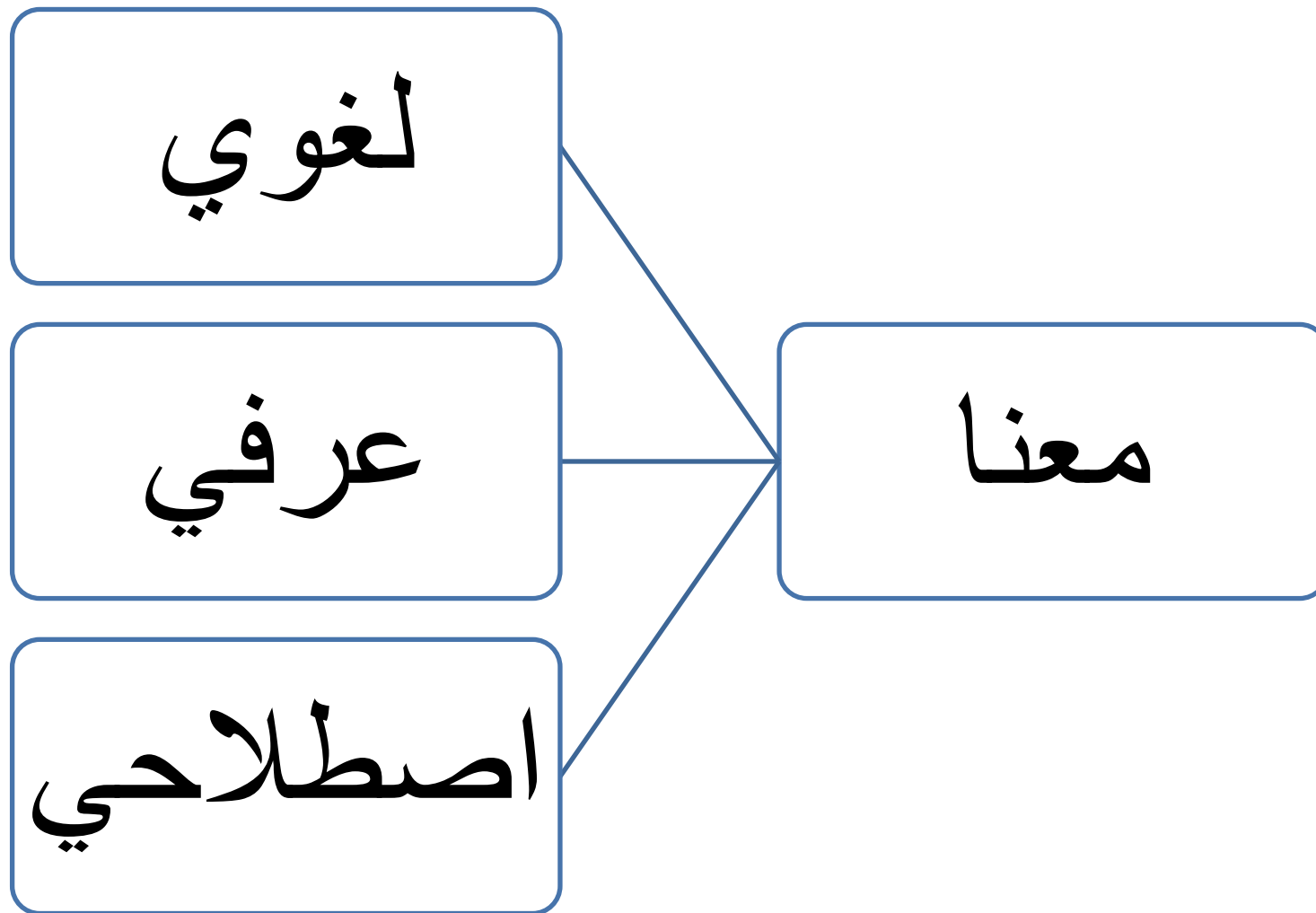
- مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٩٦)
- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٩٧)



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور







إذا تعارض حقيقتان لغوية و عرفية

- (١) أقول: هنا قاعدة أصولية يتفرع عليها كثير من مسائل الأيمان، و هي، أنه إذا تعارض حقيقتان لغوية و عرفية، فإن الحمل على العرفية في الأصح، لأن العرف كالناسخ، و لسبق الذهن، و للأصل.
- و قيل بالحمل على اللغوية، لورود الشرع بلغة العرب «٢»، فما لم يثبت نقل الشرع لفظاً إلى معنى فهو باق على أصله،
- (٢) القائل هو السيد عميد الدين في «كنز الفوائد» ج ٣، ص ١٨٦.

إذا تعارض حقيقتان لغويّة و عرفيّة

- هذا إذا غلبت العرفيّة على اللغويّة. و هجرت اللغويّة، أمّا إذا كانت اللغويّة لم تهجر و هي باقية على الاستعمال، فقول: يصير مشتركا «٣»، و تكون مباحته مباحث المشترك في الحمل على الجميع أو على أحدهما بقرينة على الخلاف،
- (٣) لم نعر على قائله.

إذا تعارض حقيقتان لغوية و عرفية

- و هذه المسألة من جزئيات هذه القاعدة، فإنّ البناء إذا أضيف إلى المتكلم أو غيره اقتضى لغة إيقاعه مباشرة حقيقة، فإنّ الأصل في إسناد الفعل إلى فاعل أن يكون فعلا لذلك الفاعل.
- و أمّا في العرف، فإنّه يقال: بنيت بيتا أو بنا فلان، و إن كان قد استأجر البناء أو أمره حتى لم يفهم غالبا إلّا هذا. و قد يغلب جدا فلا يفهم غيره كضرب السلطان و قتل.



احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

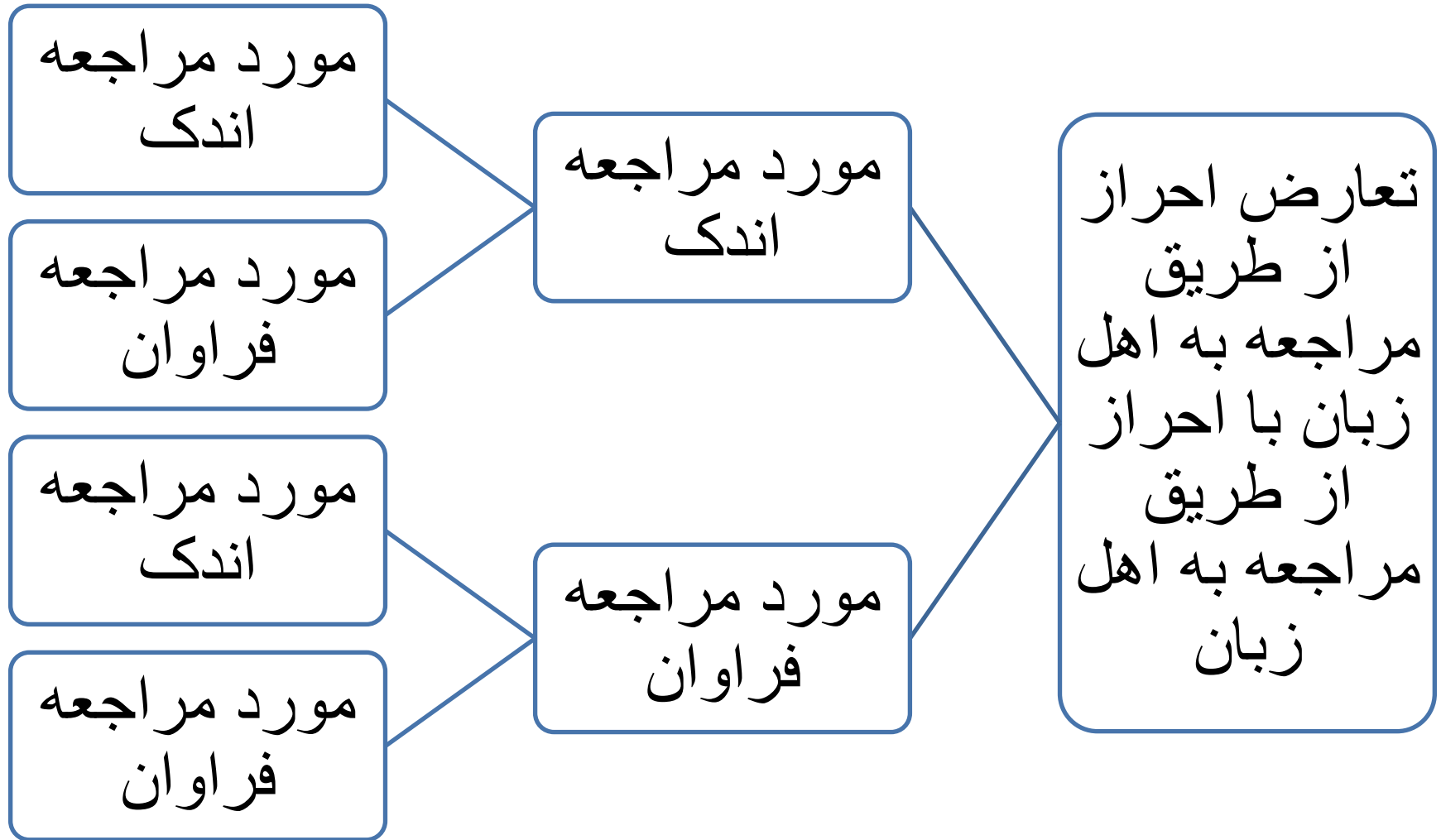
احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

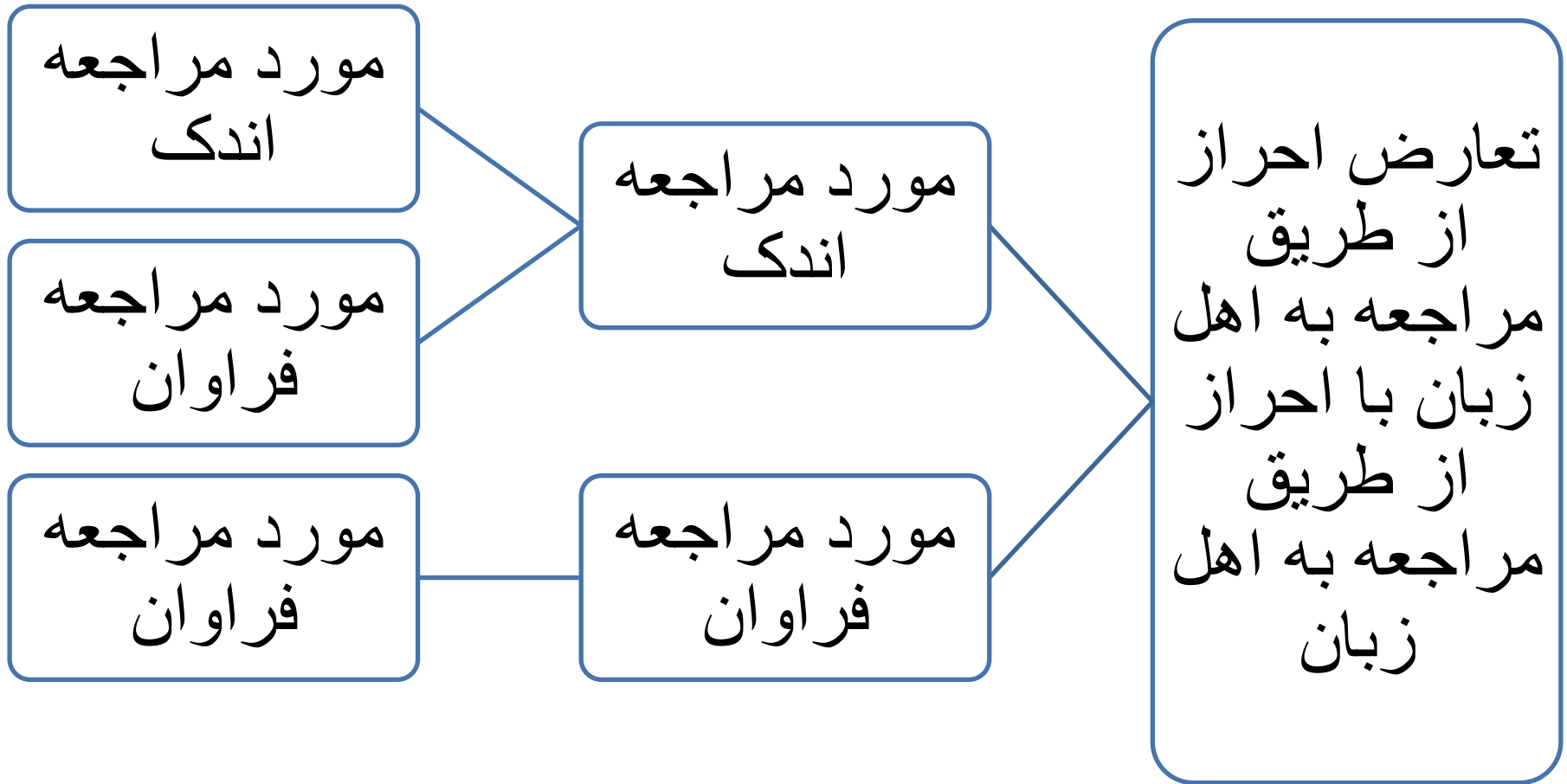
تعارض راه‌های
مشابه ظهور

مورد مراجعه اندک

مورد مراجعه
فراوان

احراز از طریق
مراجعه به اهل زبان

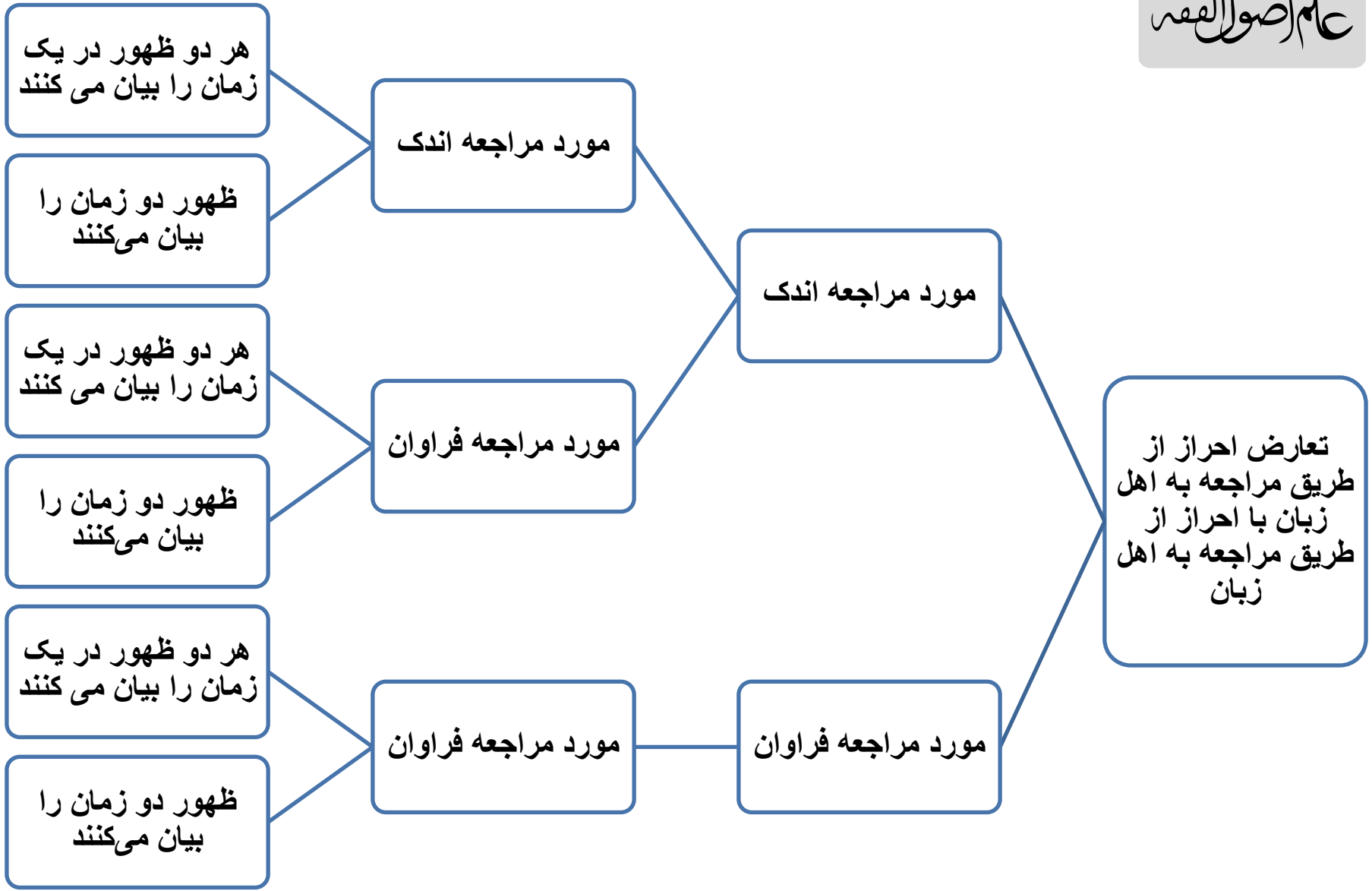


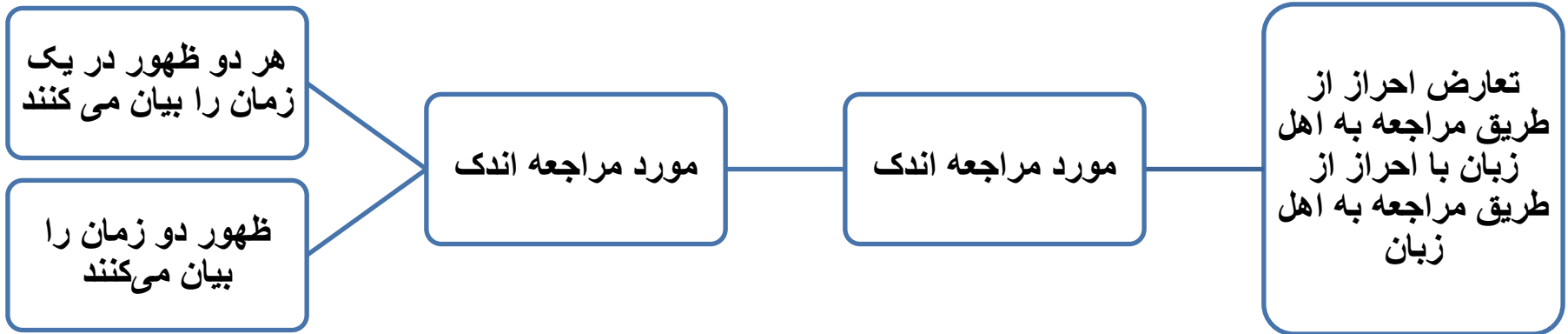


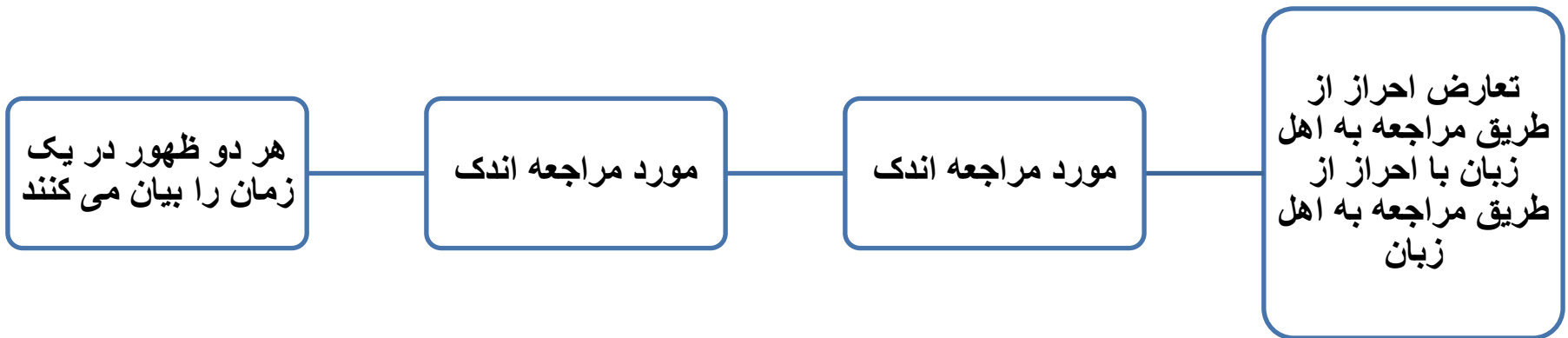
هر دو ظهور در یک
زمان را بیان می کنند

ظهور دو زمان را
بیان می کنند

تعارض احراز از
طریق مراجعه به اهل
زبان با احراز از
طریق مراجعه به اهل
زبان



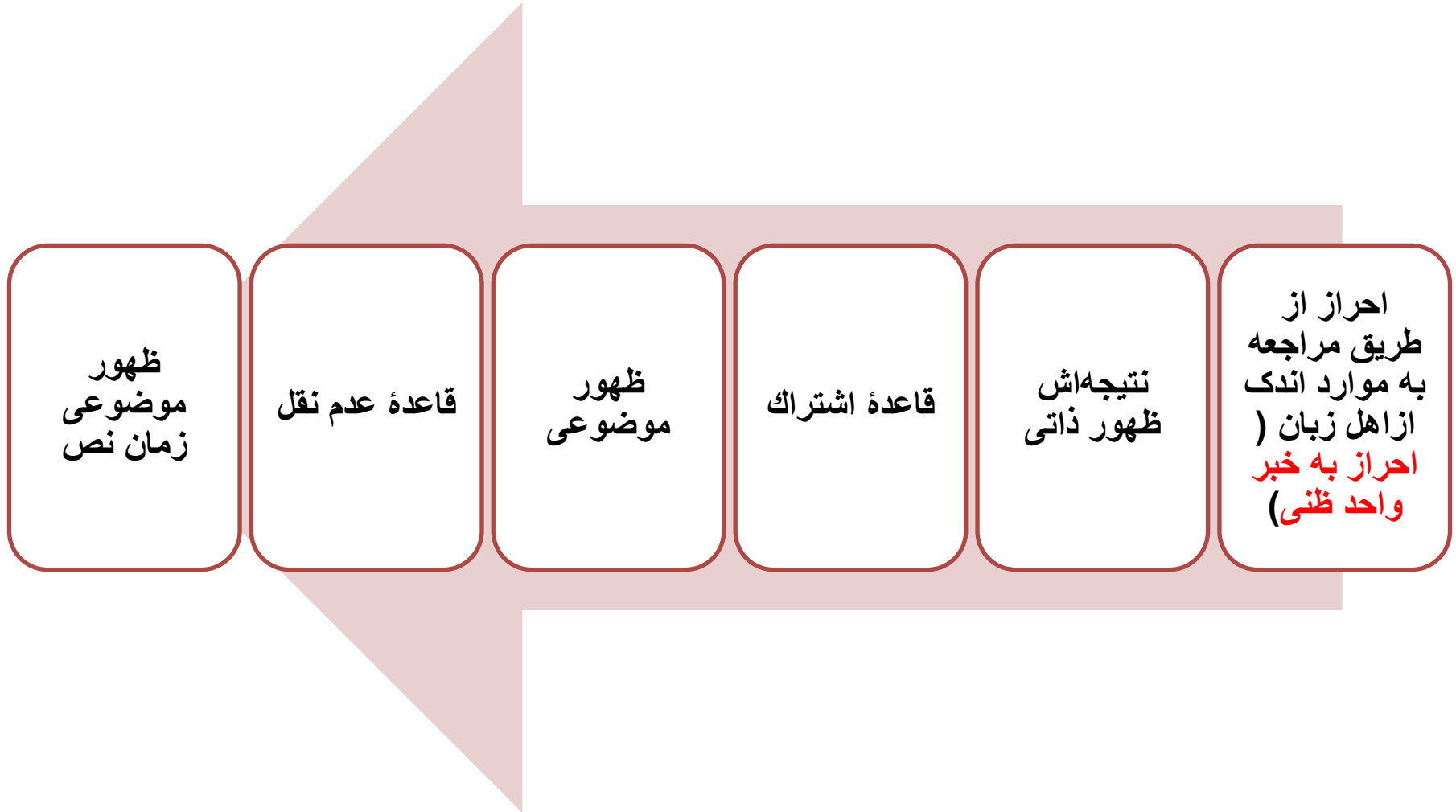




تعارض راه‌های مشابه احراز ظهور

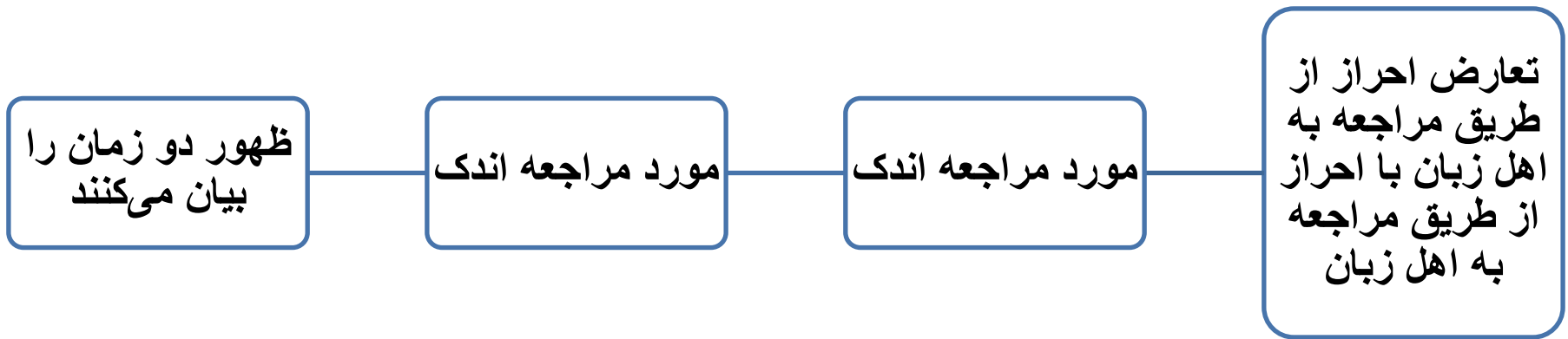
- اگر قول دو نفر از لغوی با یکدیگر معارض باشد، یا هر دو به عنوان اهل زبان **تعارض کنند** اظهار نظر می‌کنند و هر دو مربوط به یک زمان **باشند** هستند که در این فرض، **تعارض می‌کنند و تساقط می‌کنند** و هر دو از اعتبار ساقط می‌شوند؛ زیرا دو ظهور ذاتی هستند که در یک رتبه قرار دارند و با همدیگر ناسازگارند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های مشابه احراز ظهور

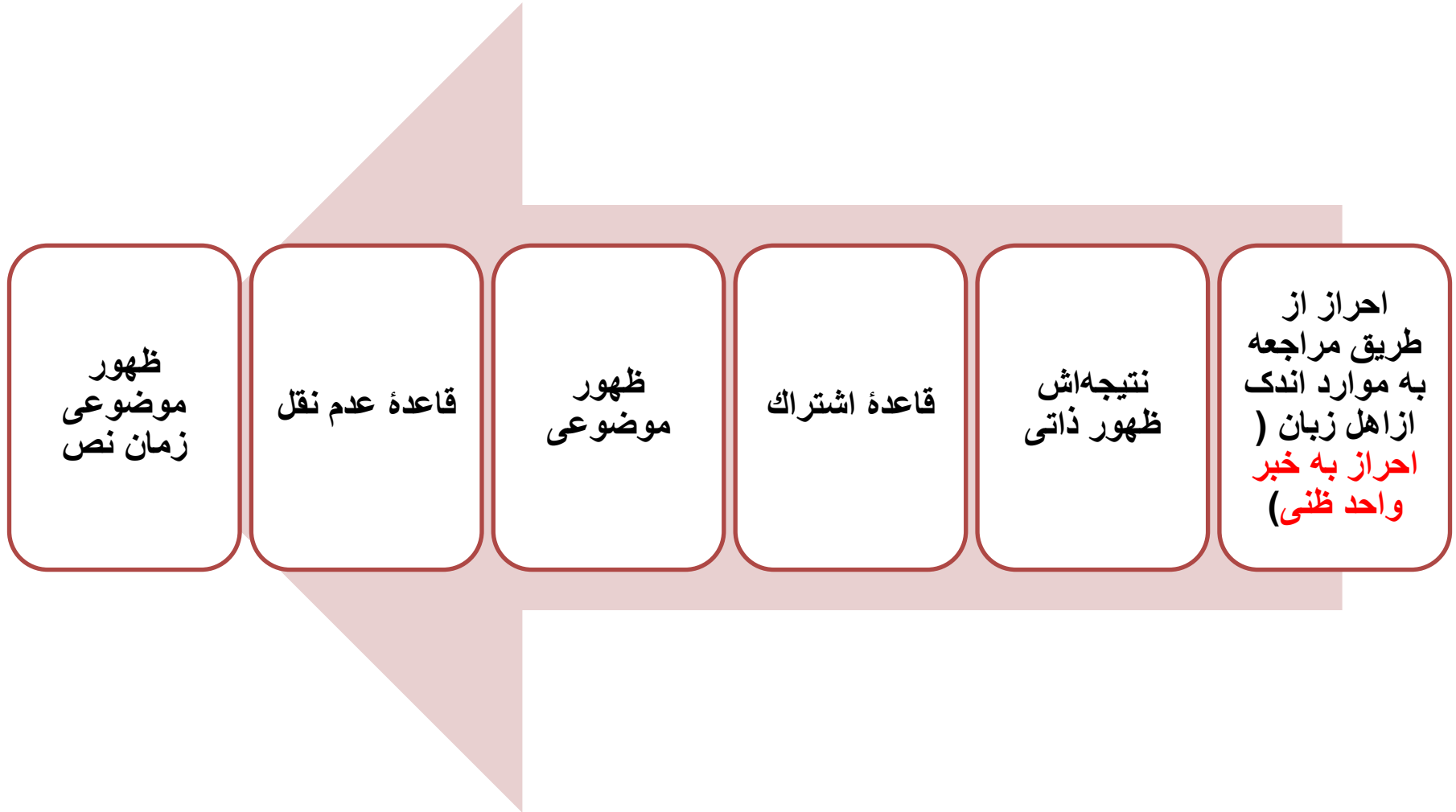
- مثل جایی است که من به دو نفر از اهل زبان در زمان خودم مراجعه کنم و یکی از ایشان یک معنا را ارائه می‌دهد و دیگری یک معنای دیگر را. در اینجا اصلاً هیچ معنایی به دست نمی‌آید.



تعارض راه‌های احراز ظهور

• اگر این دو نفر از لغوی‌ها به عنوان اهل زبان که سخنان با هم معارض است مربوط به بگویند؛ ولی برای دو زمان باشند؛ مثلاً یکی برای قرن چهارم و دیگری برای قرن هفتم باشد. در این فرض تعارضی ندارند. ممکن است این لغت از قرن چهارم تا هفتم نقل پیدا کرده باشد.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



تعارض راه‌های احراز ظهور

- در چنین وضعیتی آن معنای قدیمی‌تر یعنی همان که به زمان نص نزدیک‌تر است به کار می‌آید و به همان مراجعه می‌کنیم و از طریق قاعدة اشتراک و قاعدة عدم نقل توسعه‌اش می‌دهیم و ظهور نوعی زمان نص را به دست می‌آوریم؛ البته به فرض اینکه معارض دیگری نداشته باشد.

تعارض راه‌های احراز ظهور

- صورت دوم اینکه به دو زمان نظر داشته باشند، آن که قدیمی‌تر است و به زمان نص نزدیک‌تر است، تقدم پیدا می‌کند.